

اهل بیت



در تفسیر کشاف

سهیلا جلالی

۱- اهل بیت همچون جان رسول الله (ص)

«فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنانا و ابناکم و نسانا و نساکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین.» (آل عمران، ۶۱/۳)

در ذیل این آیه، زمخشری جریان مباحثه حضرت رسول (ص) را با وفد مسیحی نجران به تفصیل مطرح کرده است و می نویسد: درخواست رسول الله برای مباحثه، به منظور آشکار کردن کذب دشمن آن حضرت بود و ایشان برای تاکید بر ثقه و اطمینان به دعوی خود، عزیزان و جگر گوشه‌ها و محبوب‌ترین افراد خانواده‌اش را همراه خود به مباحثه فرا خواند و تنها آنان را فرا خواند، زیرا عزیزترین ایشان بودند.

او آن روز را به زیبایی تمام چنین توصیف می‌کند: رسول الله (ص) آمد در حالی که حسین را در آغوش گرفته بود و دست حسن را در دست داشت. فاطمه پشت سر او حرکت می‌کرد و علی در پی فاطمه روان بود. حضرت می‌فرمود: «اذا انا دعوت فامنوا». با دیدن این حالت، خوف در دل ریس نصرانیان ریشه دواند و به همراهانش گفت: «ای گروه نصرانی، من صورت‌هایی می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا بر کند، چنین می‌کند، پس با او مباحثه نکنید که هلاک می‌شوید و دیگر هیچ نصرانی تا روز قیامت در زمین باقی نخواهد ماند.» بنابراین در صدد مصالحه برآمدند و از مباحثه امتناع کردند.

این سخنان زمخشری، به خوبی نگرش او را نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) نشان می‌دهد. وی در ادامه تفسیر آیه، حدیث کسا را از طریق عایشه، چنین نقل می‌کند: «ان رسول الله (ص) خرج و علیه مرط مرجل من شعر اسود فجا الحسن فادخله ثم جا الحسين فادخله ثم فاطمه ثم علی. ثم قال: «انما یرید الله لیذهب عنکم

مقدمه
تفسیر کشاف، تالیف مفسر عالی قدر «ابوالقاسم جارالله محمودبن عمر زمخشری خوارزمی» حاوی نکات ادبی و تفسیری آیات است که در میان تفاسیر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. در این نوشتار ما در صدد نقد و معرفی این تفسیر ارزشمند نیستیم و تنها از زاویه نگاه مفسر به اهل بیت (علی) به آن نظر می‌افکنیم.

آیات بسیاری در قرآن کریم (حدود ۸۵ آیه)، نکاتی را درباره فضایل اهل بیت (ع) بیان داشته‌اند که برخی از مفسران اهل سنت به تعدادی از آنها توجه کرده‌اند و با توجه به بیانات رسول اکرم (ص)، به تبیین و تفسیر آنها پرداخته‌اند.

مولف بزرگوار تفسیر کشاف تنها در ۱۲ مورد، به صراحت درباره فضایل اهل بیت (ع) سخن گفته است و یا سبب نزول آیات را اهل بیت دانسته است.





الرجس اهل البیت.» (احزاب، ۳۳/۳۳)

ولی عایشه به این نکته که رسول (ص) به دیگران اجازه نداد زیر کسا داخل شوند، اشاره نمی‌کند. با این وجود، همین روایت نیز دلالت بر فضیلت اهل بیت و طهارتشان از هر گونه رجس دارد. زمخشری در ادامه حرف آخر خود را می‌زند و می‌نویسد: اینکه حضرت ، ذکر «بناء» و «نساء» را بر ذکر «انفس» مقدم داشته، به منظور تنبیه دادن بر قرب منزلت و لطف مکان ایشان است و اشاره بر این دارد که اینان بر خود رسول مقدم هستند و هیچ دلیلی قوی‌تر از این بر فضیلت اصحاب کساء وجود ندارد. ۲.

به این ترتیب ایشان به صراحت فضیلت اصحاب کساء را متذکر می‌شود و این نشانگر رشادت این عالم سنی در ابراز عقیده و حق‌بینی است.

تذکر این نکته خالی از فایده نیست که گرچه زمخشری خود در حدیث کساء اشاره به سخن رسول‌الله درباره اهل بیت و تلاوت آیه تطهیر دارد و در واقع مصداق اهل بیت را حسین و فاطمه و علی (ع) دانسته است، با این حال در ذیل تفسیر آیه تطهیر اشاره‌ای به خانواده علی (ع) نمی‌کند و تنها می‌نویسد، «با توجه به آیه، آشکار است که زنان پیامبر جزء اهل بیت اویند» ۳

۲- دوستی اهل بیت اجر رسالت

«... قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودم في القربى» (شوری،

۴۲/۲۳)

زمخشری پس از تفسیر آیه می‌نویسد: صحابه از رسول سوال کردند، یا رسول‌الله قریباً تو چه کسانی هستند که دوستیشان بر ما واجب شده است؟ ایشان فرمودند: علی و فاطمه و دو پسرانشان.

پس از آن روایتی از علی (ع) نقل می‌کند، به این مضمون که علی (ع)، نزد رسول‌الله از حسد مردم به خویش، شکایت کردند. حضرت فرمودند: «اما ترضی ان تکون رابع رابعه اول من یدخل الجنة و انت و الحسن و الحسین و ازواجنا عن ایماننا و شمائلنا و ذریتنا خلف ازواجنا» ۴

این حدیث دلالت بر فضیلت علی (ع) و همسر و فرزندان او دارد، فضیلتی که موجب می‌شود همراه پیامبر وارد جنت خلد شوند.

زمخشری، به ذکر این فضیلت اهل بیت اکتفا نمی‌کند و جملائی بسیار زیاد و دلنشین از حضرت رسول در تایید اهل بیت و دعوت مردم به محبت و دوستی آنان نقل می‌کند و متذکر می‌شود، دشمنان اهل بیت به بهشت راهی ندارند:

«عن النبی (ص) حرمت الجنة علی من ظلم اهل بیتی و آذانی فی عترتی و من اصطنع ضیعه علی احد من ولد عبدالمطلب و لم یجازیه علیها فانما اجازیه علیها غدا اذا لقینی یوم القیامه»

زمخشری در ادامه، حدیث دیگری از رسول‌الله (ص) نقل می‌کند بدین مضمون که: محبت آل محمد را تکمیل‌کننده ایمان، و مرگ چنین فردی را مرگ شهید می‌داند که بهشت بر او واجب است، در حالی که مبعضان آل محمد کافراند و استشمام رایحه بهشت بر آنان حرام است.

«قال رسول الله (ص) من مات علی حب آل محمد مات شهیداً. الا و من مات علی حب آل محمد، مات مغفوراً له. الا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً. الا و من مات علی حب آل محمد مات

مومناً مستکمل الایمان. الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنم ثم منکر و نکیر. الا و من مات علی حب آل محمد یزف الی الجنة کما تزف العروس الی بیت زوجها الا و من مات علی حب آل محمد مات علی السنم و الجماعه. الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکه بالرحمه. الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة. الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً. الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحه الجنة» ۵.

۳- علی از رسول‌الله (ص) است

مؤلف کشاف، ذیل تفسیر آیات اول سوره توبه، به توضیح چگونگی ابلاغ این آیات به مردم هنگام حج در سال نهم هجری می‌پردازد و می‌نویسد:

این آیات، سال نهم هجری نازل شد و رسول، ابوبکر را به جای خود به حج فرستاده بود. پس از نزول آیات، رسول‌الله (ص) علی را در پی فرستاد و او آیات را به ابوبکر جهت ابلاغ به مردم داد، ولی جبرئیل بر رسول نازل شد و گفت: «یا محمد لایبلغن رسالتک الا رجل منک» پس از آن ایشان علی را اعزام داشتند و ابوبکر نزد رسول بازگشت و از او سوال کرد: آیا چیزی نازل شده است. حضرت برای او توضیح دادند و گفتند: تو حج را بر گزار کن و علی آیات را قرائت کند.

بنابراین قبل از ترویه، ابوبکر خطبه خواند و از مناسک حج با مردم سخن گفت و علی (ع) در روز عید قربان نزد جمره عقبه با مردم سخن گفت و فرمود: «یا ایها الناس انی رسول الله الیکم». از او پرسیدند: بماذا؟ آن‌گاه حضرت ۳۰ یا ۴۰ آیه از سوره توبه را قرائت کرد.

مجاهد گوید:

۱۳ آیه را خواند و به مشرکان چهار ماه فرصت داد و عریان طواف کردن را ممنوع کرد و فرمود آنان که با رسول عهدی دارند، عهدشان تا پایان رفتن مدت آن محترم است.

به این ترتیب در این روایت، علی (ع) مصداق «رجل منک» است، یعنی علی (ع) از رسول‌الله (ص) است.

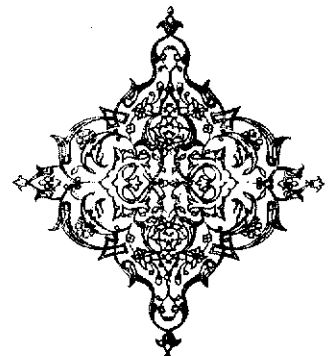
البته زمخشری نظری را در توجیه اینکه چرا جبرئیل به رسول ابلاغ کرد «تنها باید مردی از تو آیات را ابلاغ کند» نقل کرده و می‌نویسد:

«گفته شده عادت عرب این بود که هنگام نقض پیمان، باید فردی از افراد همان قبیله این مساله را اعلام کند. بنابراین اگر ابوبکر این کار را می‌کرد، جایز بود که مشرکان بگویند این خلاف معمول است و آن را نپذیرند. به همین دلیل پیامبر علی را متولی این امر کرد.» ۶

۴- نزول سوره دهر در وصف اهل بیت (ع)

در تفسیر این سوره، زمخشری روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که:

حسین (ع) مریض بودند و بیماریشان شدت گرفت. پیامبر به همراهی تنی چند به عیادت آن دو رفتند. مردم به علی (ع) گفتند: ای ابالحسن چرا برای شفای فرزندان نذر نمی‌کنی. پس علی، فاطمه و فضا کنیزشان نذر کردند که اگر کودکان شفا یابند، سه روز روزه بگیرند. پس از بهبودی کودکان، آنان روزه گرفتند و حسین نیز با





بودند و از پرداخت صدقه سرباز زدند. ۹.
زمخشری از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود:
«ان فی کتاب الله لایهیب، ما عمل بها احد قبلی و لایعمل بها احد بعدی، کان لی دینار فصرفته، فکنت اذا ناجیته تصدقت بدرهم.»
و کلبی گوید:

«تصدق به فی عشر کلمات سالهن رسول الله.»
این فضیلتی بس عظیم است که هیچ کس دیگر نمی‌تواند آن را کسب کند. علی (ع) تنها عامل به آیه نجوا بود و این نشانگر شدت علاقه او به رسول و تبعیتش از احکام الهی بود. دوست و دشمن بر این فضیلت او معترف‌اند.
ابن عمر گوید:

«کان لعلی ثلاث، لو کانت لی واحدی منهن کانت احب الی من حمر النعم: تزویجه فاطمه و اعطائه الرایه یوم خیبر و آیه النجوى.»
۱۰

۷- علی مستحکم‌کننده ریشه اسلام
«محمد رسول الله و الذین معه... ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار» (فتح، ۴۸/۲۹)
...مثل (باران محمد ص) در تورات و انجیل مانند زرع است که جوانه خود را رویانید و آن را نیرومند کرد تا سخت شد و بر ساقه‌های خود ایستاد و موجب تعجب زراع و غیظ کفار گردید.
زمخشری از عکرمه نقل می‌کند:

جوانه اسلام با ابی بکر برآمد، یا عمر نیرومند شد، با عثمان سخت گردید و با علی بر ساقه خود برآمد و ایستاد. این مثلی است که خداوند درباره آغاز اسلام و سپس ترقی و قوت یافتن آن زده است. زیرا پیامبر، به تنهایی سر برافراشت و خداوند او را با مؤمنان تقویت کرد، چنانچه جوانه اولی گیاه سر برمی‌آورد و سپس قوت می‌یابد، تا آنجا که سبب تعجب کشاورز می‌گردد. ۱۱

گرچه در این نقل، عکرمه، علی را موجب برافراشته شدن اسلام و تقویت آن دانسته ولی ابوبکر و عمر و عثمان را پیش از او ذکر می‌کند. این بی‌انصافی است زیرا علی اولین مسلمان پس از رسول الله بود و هم او بود که موجب ریشه دواندن اسلام گردید و یار و یاور رسول الله در مشکلات بود و دست دشمنان را کوتاه کرد.

۸- علی (ع) انفاق‌کننده در آشکار و نهان
«الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲/۲۴۷)
زمخشری دو نظر در سبب نزول آیه با عنوان «قیل» نقل می‌کند. در یک نقل ابوبکر را سبب نزول می‌داند و در یک قول، علی (ع) را انفاق‌کننده می‌شمارد:

و عن ابن عباس (رض) نزلت فی علی (رض) لم یملک الا اربعه دراهم فتصلق بدرهم لیلا و بدرهم نهارا و بدرهم سرا و بدرهم علانیه. ۱۲

در این روایت آمده است که علی (ع) تنها چهار درهم داشت و همه را در راه خدا و بدون ریا انفاق کرد. چه فاصله دوری است بین کسی که همه دارایی خود را در راه خدا انفاق می‌کند با کسی که قسمتی از آن را می‌بخشد.

آنان همراهی کردند. قوتی در خانه نبود، پس علی (ع) مقداری جو از شمعون قرض کرد و فاطمه (س) با یک سوم آن پنج قرص نان پخت. هنگام افطار مسکینی نقاضای کمک کرد و گفت: «یا اهل بیت محمد! مسکین من مساکین المسلمین اطعمونی اطعمکم الله من موائد الجنة»

آنان یک به یک نان خود را به او بخشیدند و تنها با آب افطار کردند. صبح روز بعد مجدداً روزه گرفتند و هنگام افطار یتیمی از آنان تقاضای کمک کرد و روز سوم نیز اسیری به در خانه آنها آمد و آنان باز همچون روز اول، قوت خود را به او بخشیدند. صبح روز چهارم علی (ع) دست حسنین (ع) را گرفت و نزد رسول (ص) رفت. حضرت کودکان را دید که از شدت گرسنگی می‌لرزند، حضرت بسیار ناراحت شدند و به همراهم آنان به نزد فاطمه رفتند و او را در حال عبادت در محراب دیدند، به گونه‌ای که چشمانش گود شده و شکمش از شدت گرسنگی به پشت چسبیده بود. دیدن این منظره برای رسول خدا بسیار سخت بود. جبرئیل نازل شد و گفت: «خذاها یا محمد هناک الله فی اهل بیتک فاقراه السورم» ۷

به این ترتیب سوره دهر در شان اهل بیت نازل شد که در این سوره، آنان را با وصف «برار» توصیف کرده است. ابراری که جنت در انتظارشان است و این به جهت صبر و ایثار و از خودگذشتگی آنان است.

این آیات چه زیبا حالات درونی آنان را توصیف می‌کند و چه عاقبت نیکویی در انتظار آنان است. اللهم ارزقنا.

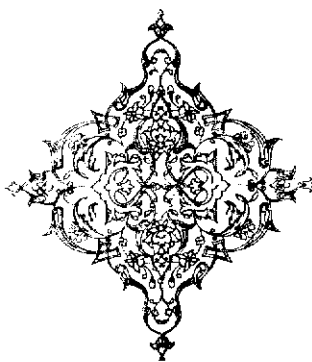
۵- علی (ع) مصداق «واعیه»
«لتجعلها لکم تذکره و تعیها اذن واعیه» (الحاقه، ۶۹/۱۲)
تا آن را (غرق قوم نوح و نجات مؤمنان) برای شما پندی قرار دهیم و گوش‌های شما آن را نگه می‌دارد.
در کشف روایتی از رسول الله (ص) نقل شده که ایشان هنگام نزول این آیه از خداوند خواستند که گوش‌های علی را «واعیه» قرار دهد.

و علی (ع) فرمود پس از آن دعا، هرچه از رسول شنیدم فراموش نکردم.

به این ترتیب علی (ع) دارای حافظه قوی و قوه درک عالی شد و هر آنچه از رسول فرا می‌گرفت به خوبی فهمیده و حفظ می‌کرد.

۶- علی (ع) تنها عمل‌کننده به آیه نجوا
صحابه، بسیار نزد رسول می‌رفتند و با او به گفت‌وگو می‌نشستند، به گونه‌ای که این کار برای ایشان بسیار خسته‌کننده شده بود، لذا آیه نازل شد که هر کس قصد دارد با رسول خلوت کند، باید صدقه‌ای بپردازد.

زمخشری از علی (ع) نقل می‌کند که گفت: هنگامی که این آیه نازل شد، رسول مرا طلبید و گفت می‌توانی یک دینار صدقه بدهی؟ گفتم: استطاعت آن را ندارم. پس فرمود: چقدر می‌توانی؟ گفتم: «جیب او شعیرم» و ایشان فرمود: انک لزهید، تو بسیار پارسایی. گویند این حکم ده روز برقرار بود و سپس با آیه بعدی نسخ شد و برخی هم معتقدند تنها قسمتی از روز، این حکم دوام داشت، ولی تنها علی به آن عمل کرد و برای دیگران انجام این امر سنگین بود. فقیرها به دلیل فقرشان از آن ابا کردند و ثروتمندان حریص بر مال





۹- حرص علی (ع) بر بر و احسان

مؤلف کشف به گونه‌ای زیبا وجوب اختصاص موالات، به خدا، رسول و گروه خاصی از مؤمنان را در تفسیر آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوات و یؤتون الزکوٰه و هم راکعون» (مائده، ۵/۵۵) بیان می‌کند. او در تفسیر آیه می‌نویسد: انما نشانگر وجوب اختصاص به موالات گروهی است که در ادامه ذکر می‌شود. چون ولایت خدا، به طریق اصالت است و ولایت رسول و مومنین بالتبع، «ولی» را مفرد آورده و «انما اولیاءکم» نفرموده است. به این ترتیب پس از خدا، ولایت از آن رسول و مومنان است، اما آیا همه مومنان از ولایت برخوردارند یا تنها برخی از آنان؟ یعنی مومنانی که موصوف به صفت «الذین یقیمون الصلوات و یؤتون الزکوٰه و هم راکعون» هستند، دارای ولایت می‌باشند. «الذین یقیمون» یا بدل «الذین آمنوا» است و یا مدح آنان است. «و هم راکعون» حالت آنان را هنگام اقامه نماز و پرداخت زکات نشان می‌دهد.

زمخشری دو تفسیر برای آن ذکر کرده است:

اول آن که مراد از رکوع، حالت خشوع و تواضع آنان برای خدا، در هنگام عمل است و دوم آنکه مراد پرداخت زکات در حالت رکوع نماز است.

در ادامه می‌نویسد:

گفته شده، آیه در شان علی (ع) نازل شده است، ایشان در حال رکوع نماز جماعت بودند که سائلی درخواست خود را مطرح کرد و ایشان انگشتر خود را به او بخشید و این کار را به گونه‌ای انجام داد که موجب بطلان نماز نگردد.

در ادامه به شبهه‌ای که ممکن است، بر این سبب نزول وارد شود اشاره و سپس آن را پاسخ می‌دهد. او می‌نویسد: اگر اشکال کنند، چگونه مصداق این آیه علی (ع) است در حالی که لفظ جمع (الذین) در آن آمده است. پاسخ می‌دهیم این گونه بیان شده، تا مردم را به چنین عملی ترغیب کند، تا آنان نیز ثوابی همانند او ببرند. همچنین آیه، مومنان را متنبه می‌سازد که باید آنچنان بر بر و احسان و توجه به فقرا حریص باشند که هرگاه بر آنان واجب شد، آن را انجام دهند و حتی هنگام نماز آن را به تأخیر نیندازند خود را به این حد کمال از کمالات اخلاقی برسانند. ۱۳

۱۰- علی (ع) مورد آزار منافقان

امام علی (ع)، به دلیل صداقتش در دین و حمایتش از رسول (ص) همواره مورد حسد منافقان بوده و بسیار مورد آزار مردم قرار می‌گرفت:

«والذین یؤذون المومنین و المومنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و انما مبینا» (الاحزاب، ۳۳/۵۸)

زمخشری سه نظریه درباره سبب نزول آیه ذکر می‌کند که اولین نظریه این است که آیه درباره منافقینی است که حضرت علی (ع) را اذیت و آزار می‌کردند. ۱۴ با توجه به اینکه مؤلف ابتدا این رای را نقل می‌کند، می‌توان حدس زد که این نظر از دید او از قوت بیشتری برخوردار بوده است.

۱۱- علی سبقت‌گیرنده بر نیکویی

در تفسیر آیه «ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها

مبعولون» (انبیاء، ۲۱/۱۰۱) زمخشری ابتدا «الحسنی» را به سعادت و بشارت بر ثواب و توفیق بر طاعت تفسیر می‌کند و سپس از علی (ع) روایت می‌کند هنگام قرائت این آیه می‌فرمود:

انا منهم و... ۱۵

۱۲- امام زین العابدین (ع) کثیرالسجود

در تفسیر آیه «... سیماهم فی وجودهم من اثرالسجود...» (فتح، ۴۸/۲۹) زمخشری متذکر می‌شود: علی بن الحسین زین العابدین و علی بن عبدالله بن عباس ابی الاملاک بسیار سجده می‌کردند و بر پیشانی‌شان اثر آن باقی بود. ۱۶ و این فضیلتی بس بزرگ برای امام چهارم (ع) است که بسیار با عبادت مانوس بودند و به حق به لقب «سجاد» و «زین العابدین» ملقب گردیدند.

آیات دیگری نیز در تفسیر کشف مورد بحث قرار گرفته است که مؤلف در این آیات، به فضیلت امیرمومنان تصریح نکرده است و لکن با قرآینی می‌توان به دست آورد که مراد علی (ع) است. ضمناً آیات دیگری در فضیلت اهل بیت (ع) نازل شده که در تفاسیر شیعه بدانها پرداخته شده و لکن در کشف به آنها اشاره‌ای نشده است.

پاورقی:

تمامی این آیات را کتاب گرانسنگ «حقوق الحق» به تفصیل بیان داشته است. این آمار از آنجا گرفته شده است.

۱- جارالله، زمخشری، الکشف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، ۱/۱۹۳، قطع رحلی، دارالمعرفه، بیروت.

۲- همان.

۳- همان، ۳/۲۳۶

۴- همان ۴۰۲/

۵- همان ۴۰۳/

۶- همان ۲/۱۳۸

۷- همان ۴/۱۶۹

۸- همان ۱۳۴/۱۳۳

۹- همان ۷۶/

۱۰- همان.

۱۱- همان، ۳/۴۶۹

۱۲- همان، ۱/۱۶۴

۱۳- همان ۳۴۷/

۱۴- همان، ۳/۲۳۶

۱۵- همان ۲۱/

۱۶- همان ۴۶۹/

